

# آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی

عنوان پژوهش

بررسی مفهوم «صلاحیت»

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۱۴۱

تاریخ: ۱۳۹۴/۰۹/۰۱



پژوهشکده شورای نگهبان

## شناسنامه

عنوان:

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی  
بررسی مفهوم «صلاحیت»

مؤلف:

میلاد قطبی

ناظر علمی:

علی بهادری جهرمی

دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۱۴۱

تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۰۹/۰۱

پژوهشکده شورای نگهبان



## فهرست مطالب

|                                         |    |
|-----------------------------------------|----|
| مقدمه.....                              | ۲  |
| چکیده.....                              | ۳  |
| ۱- درآمد.....                           | ۴  |
| ۲- مفهوم شناسی.....                     | ۵  |
| ۳- ویژگی‌های صلاحیت.....                | ۶  |
| ۴- اقسام صلاحیت.....                    | ۷  |
| ۱-۴ صلاحیت تکلیفی.....                  | ۸  |
| ۲-۴ صلاحیت تخییری.....                  | ۸  |
| ۶- مبانی اسلامی و حقوقی اصل صلاحیت..... | ۱۰ |
| ۱-۶ مبانی اسلامی.....                   | ۱۰ |
| ۲-۶ مبانی حقوقی.....                    | ۱۲ |
| ۱-۲-۶ تفکیک قوا.....                    | ۱۲ |
| ۲-۲-۶ حاکمیت قانون.....                 | ۱۲ |
| ۳-۲-۶ نمایندگی.....                     | ۱۳ |
| ۷- صلاحیت در نظام حقوق داخلی.....       | ۱۳ |
| ۸- جمع‌بندی.....                        | ۱۶ |
| ۹- منابع پیشنهادی جهت مطالعه بیشتر..... | ۱۷ |
| ۱۰- منابع و مآخذ.....                   | ۱۸ |

## مقدمه

در تحقیق و تتبع پیرامون هر گرایش علمی، گام اول آشنایی با مفاهیم پایه‌ای آن علم است. حقوق عمومی به عنوان شاخه و گرایشی از علم حقوق از این قاعده مستثنی نیست و آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی درگاهی برای ورود و اظهارنظر در موضوعات مرتبط با آن می‌باشد.

از سوی دیگر تأسیس حکومتی برمدار مختصات اوامر الهی نیازمند به نهادها و سازوکارهایی متناسب با آن است. بر این اساس نظام سازی اسلامی پس از تشکیل حکومتی بر مبنای اصول و احکام شریعت مقدس اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. حرکت در مسیر این امر مستلزم آشنایی با مفاهیم علمی، مطالعه مبانی و نقد و بررسی آنها بر اساس اندیشه ناب اسلامی است. در این میان مفاهیم حقوق عمومی به عنوان گرایش تخصصی رشته حقوق که به بررسی کلان موضوعات مرتبط با حوزه حکومت و حدود اختیار آن، روابط مردم با فرمانروایان و مباحث مشابه آن می‌پردازد از اهمیت والایی برخوردار است.

در همین راستا، موضوع بازخوانی مفاهیم حقوق عمومی در دستور کار دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی پژوهشکده شورای نگهبان قرار گرفته است. هدف از این امر آشنایی با تعاریف مفاهیم، تاریخچه، اقسام و انواع، بررسی مبانی آن در حقوق موضوعه و مطالعه تطبیقی با مبانی اسلامی و بررسی موضوع در قوانین و سازوکارهای حقوقی نظام جمهوری اسلامی ایران و ارائه نقد و تحلیلی اجمالی از آن است تا به این واسطه گام نخست در عرصه نظام سازی اسلامی برداشته شود.

## چکیده

موضوع صلاحیت از مسائل مهم در حقوقی عمومی است؛ هرچند اصل بر عدم دارا بودن صلاحیت مقامات و نهادها در حوزه عمومی می‌باشد. اصل صلاحیت با حاکمیت قانون ارتباط تنگاتنگی دارد و از آنجا که اصل بر عدم صلاحیت است، صرفاً مواردی از صلاحیت که قانون برای مقام یا نهادی به رسمیت شناخته، موردپذیرش خواهد بود. مبنای صلاحیت در حقوق اسلامی نیز از ولایت الهی نشأت گرفته و صرفاً کسانی که از جانب خداوند مأذون هستند حق اعمال ولایت دارند. صلاحیت در مهم‌ترین دسته‌بندی به صلاحیت تکلیفی و اختیاری تقسیم می‌شود، وظایفی که به موجب صلاحیت تکلیفی بر عهده مقامات و نهادها گذاشته می‌شود باید عیناً مطابق دستورالعمل قانون انجام شود، اما در صلاحیت‌های تخییری یا گزینشی مقام اداری حق انتخاب دارد و می‌تواند بین چند گزینه بهترین را انتخاب کند؛ هرچند موظف است نفع عمومی را در اخذ تصمیم لحاظ کند. قابل‌ذکر است در نظام حقوقی ایران نهادهایی برای نظارت بر رعایت اصل صلاحیت وجود دارند که به‌انحاء مختلف این وظیفه را انجام می‌دهند؛ شورای نگهبان، دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور از جمله این نهادها هستند.

## کلید واژگان

صلاحیت، اختیار، حاکمیت قانون، ولایت الهی، صلاحیت تخییری، صلاحیت

تکلیفی

## ۱- درآمد

اعطای قدرت عمومی به نهادها و ساختارهایی که در هر حکومتی وجود دارند، برای رسیدن به اهداف و انجام وظایف آنها امری ضروری و روشن است. سابقاً و در حکومت‌های فرد محور قدرت عمومی در همه زمینه‌ها در دست پادشاه بود. اما بعدها با شکل‌گیری نظریاتی مانند تفکیک قوا و حکمرانی خوب تقسیم قدرت میان نهادهای حکومتی برای جلوگیری از تجمع قدرت در شخص پادشاه و دفع فساد در دستور کار حکومت‌ها قرار گرفت و مقرر شد هر قوه و نهادی در حکومت صرفاً کار خاصی را انجام دهد و در وظایف سایرین دخالتی نداشته باشد. تئوری تفکیک مطلق قوا مبنایی صرفاً مادی داشته و در عمل هم با شکست مواجه شد؛ چراکه نظام‌های حقوقی به سمت اختلاط قوا و تفکیک نسبی پیش رفتند. هم‌اکنون نیز مطابق با اصل صلاحیت هر مقامی صرفاً در محدوده خاصی اختیار انجام اقدامات و اخذ تصمیمات را دارد. صلاحیت‌های مقامات نیز ضمن اصل حاکمیت قانون مشخص می‌شود که مطابق با آن هیچ مقامی نمی‌تواند از حدود صلاحیتی که قانون برای او مشخص کرده است تجاوز کند یا از انجام آن خودداری کند و یا به صلاحیت سایر مقامات ورود کند. از همین رو اصل در حقوق عمومی بر عدم صلاحیت است؛ چراکه قدرت عمومی به صورت محدود و مضیق تفسیر می‌شود و در موارد شک و تردید، فرض و اصل بر این است که مقامات صلاحیتی ندارند مگر در مواردی که قانون تصریح کرده باشد. (ویژه، ۱۳۸۸: ۴۱) نوشتار پیش رو باهدف تبیین مفهوم صلاحیت نگاشته شده و طی آن به بررسی ویژگی‌های صلاحیت، ملاک‌های تعیین صلاحیت، تاریخچه، مبانی فقهی و حقوقی و انواع صلاحیت خواهیم پرداخت و درنهایت نیز توصیفی از اصل صلاحیت و نظارت بر رعایت آن در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران خواهیم داشت.

## ۲- مفهوم شناسی

صلاحیت در لغت چنین معنا شده است: «شایستگی، سزاواری، اهلیت. صلاحیت‌دار: شایسته برای انجام کاری» (دهخدا، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۹۰۱). از صلاحیت تعاریف مختلفی شده است از جمله اینکه گفته‌اند: «صلاحیت مجموع اختیاراتی است که به موجب قانون برای انجام اعمال معینی به مأمور دولت داده می‌شود.» (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۷: ۴۶۱)

صلاحیت تعیین‌کننده حوزه اقدام و فعالیت اداره است. به عبارت دیگر صلاحیت، «اختیارات قانونی یک مأمور رسمی برای انجام پاره‌ای از امور مانند صلاحیت دادگاه‌ها و صلاحیت مأمور دولت در تنظیم سند رسمی است.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵: ۴۰۷) برخی نیز چنین تعبیر کرده‌اند که موضوع صلاحیت همان موضوع تقسیم‌کار و تبیین وظایف است. (علی‌آبادی، ۱۳۸۳: ۵)

صلاحیت قانونی یک ارگان یا نهاد اداری از خلال فرآیند قانون‌گذاری ایجاد می‌شود که می‌توان آن را گستره یا حوزه اختیارات یک‌نهاد یا ارگان در بررسی و تصمیم‌گیری در مورد یک موضوع معین یا حوزه سیاسی و در جهت ایجاد اعمال اداری تعریف کرد. (فلاح زاده و دیگران، ۱۳۹۱: ۸) به عقیده نگارنده تعریف اخیر وضوح و جامعیت بیشتری دارد؛ چراکه جدا از پیشینه صلاحیت که ممکن است از اصل تفکیک قوا ناشی شده باشد، بالاخره این قانون‌گذار است که صلاحیت هر نهاد یا مقامی را مشخص می‌کند. در حقوق عمومی اصل بر عدم صلاحیت است و مقامات اداری صرفاً در مواردی که قانون‌گذار به آنها اختیار و صلاحیت انجام کاری را داده باشد صالح خواهند بود. (ویژه، ۱۳۸۸: ۴۱)

به نظر می‌رسد منطق صلاحیت با مفهوم "اختیار" و "حق" که متضمن آزادی و قدرت انتخاب در اخذ تصمیم از جانب مقامات است سازگاری ندارد. به عبارت دیگر «از آنجاکه بنیان صلاحیت در قلمرو حقوق عمومی ایجاد می‌شود و از مبانی مهم آن قانونی بودن است، مفاهیم "تکلیف قانونی" یا "توانایی قانونی" برای اقدام یا اخذ تصمیم عمومی سازگاری بیشتری دارد و با منطق و هدف صلاحیت نیز همسو است. حتی صلاحیت اختیاری نیز تکلیفی قانونی است که باید در یک چارچوب کلی‌تر

موازن حقوقی به کار برده شود.» (شیرزاد، ۱۳۹۲: ۹۱)<sup>(۱)</sup>

### ۳- ویژگی‌های صلاحیت

برای اصل صلاحیت چهار ویژگی بیان شده است که به اختصار بیان می‌کنیم: قانونی بودن صلاحیت مهم‌ترین ویژگی اصل صلاحیت است و به تعبیری هر اعمال صلاحیتی توسط مقامات کشور باید مستند به مجوز قانونی باشد و در غیر این صورت تصمیمات و اقدامات صورت گرفته محکوم به بی‌اعتباری خواهد بود. اصل قانونی بودن صلاحیت، خود موجد ویژگی دومی است؛ چه اینکه مفهوم مخالف اصل قانونی بودن این است که صرفاً مقامات و نهادهایی که قانون اجازه داده می‌توانند اعمال صلاحیت کنند و از همین رو اصل صلاحیت، انحصاری است و صرفاً نهادهایی که قانون اعلام کرده است دارای صلاحیت خواهند بود و مفهوم آن این است که سایر مراجع و نهادها صلاحیت رسیدگی به آن امر را ندارند. (استوارسنگری، ۱۳۹۲: ۳۵۷) به عبارت دیگر صلاحیت انجام یک کار منحصرأ بر عهده مقام مورد تأیید قانون است و به مقامات دارای جایگاه مشابه قابل تعمیم نیست.

ویژگی دیگر اصل صلاحیت الزامی بودن آن است و نهاد یا مقام دارای صلاحیت نمی‌تواند از انجام آن خودداری کند و چه بسا خودداری از انجام وظیفه مشمول تخلف شده و مورد پیگیری قرار بگیرد. از آنجاکه صلاحیت در حقوق عمومی وجوه شباهتی با اهلیت در حقوق خصوصی دارد برخی این دو موضوع را مقایسه کرده و در وجه تمایز آن گفته‌اند: «اهلیت حق است و شخص می‌تواند از آن استفاده نکند یا نکند، ولی

۱. البته برخی نیز صلاحیت را دربرگیرنده مجموعه اختیارات می‌دانند و استفاده از این تعبیر را برای صلاحیت صحیح تلقی کرده (در مقابل تکلیف بودن صلاحیت) ولی درعین حال معانی مختلفی برای اختیار ذکر کرده‌اند. اختیار به معنای انتخاب که در برابر اجبار قرار می‌گیرد، اختیار به معنی قدرت تمییز و اینکه مقام اداری باید بهترین تصمیم را به کار گیرد و از سایر گزینه‌ها تمییز دهد، در این معنا صلاحیت اختیاری به معنای انتخاب سهل‌ترین و به صرفه‌ترین تصمیم برای اداره نیست. اختیار به معنای آزادی تعبیر دیگر است به این ترتیب که مقام اداری در اخذ تصمیم آزاد است، این معنا بیشتر مبین صلاحیت تخیری می‌باشد و معنای آخر نیز اختیار به معنی قضاوت است که می‌بایست مقام اداری بین نفع عمومی و خصوصی قضاوت کند. در این معنا مقام اداری مطیع محض قانون نیست و می‌تواند برداشت و قضاوت خود را در اخذ تصمیم دخیل کند. (مشهدی، ۱۳۹۱: ۲۴ و ۲۵)

صلاحیت وظیفه و تکلیف است، مأمور دولت نمی‌تواند به میل خود به آن عمل کند یا نکند، بلکه او مکلف است در حدودی که قانون مقرر کرده به صلاحیت خود عمل بکند و از آن‌هم تجاوز ننماید.» (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۷: ۴۰۹) رعایت اصل دارا بودن صلاحیت از قواعد آمره است و تخطی از آن موجب بطلان تصمیم می‌باشد. (صدر الحافظی، ۱۳۷۲: ۲۴۴)

ویژگی چهارم اصل صلاحیت، محدود بودن آن است به این معنا که قدرت و صلاحیت مطلق احتمال وقوع فساد و خودکامگی را به میزان بالایی افزایش می‌دهد، به همین دلیل اصل بر صلاحیت مقید مقامات عمومی است، مگر اینکه قانون صلاحیت مطلق اعطا کرده باشد... (شیرزاد، ۱۳۹۲: ۹۲)

#### ۴- اقسام صلاحیت

اصل صلاحیت در هر یک از شاخه‌های علم حقوق به‌نوعی مطرح می‌شود. تعبیر حقوق خصوصی از مفهوم صلاحیت، اهلیت است. در حقوق خصوصی برای اینکه افراد صلاحیت بهره‌گیری از حقوق خود را داشته باشند ناگزیر از داشتن اهلیت هستند. اهلیت در حقوق خصوصی به اهلیت تمتع و استیفاء تقسیم می‌شود. اهلیت تمتع گویای این است که هر فرد زنده‌ای دارای حقوق انسانی است و کسی نمی‌تواند حقی را از او نفی یا منع کند، اما اهلیت استیفاء مقرر می‌کند که افراد برای استفاده از حقوق انسانی خود باید دارای شرایطی باشند و به‌نوعی اشخاصی که این شرایط را نداشته باشند صلاحیت بهره‌گیری از حقوق خود را ندارند. به‌عنوان نمونه شخصی که صغیر است به‌واسطه اهلیت تمتعی که دارد می‌تواند ارث ببرد اما چون هنوز به سن قانونی نرسیده اهلیت استیفاء نداشته و نمی‌تواند در ارثی که به او رسیده تصرف کند. (امامی، بی‌تا، ج ۴: ۱۵۳)

همچنین اصل صلاحیت در حقوق جزا راجع به صلاحیت محاکم مطرح می‌شود؛ به‌این‌ترتیب که هر دادگاهی صرفاً صلاحیت رسیدگی به موضوع خاصی را دارد. مثلاً محاکم عمومی حقوقی نمی‌توانند به دعاوی کیفری رسیدگی کرده و حکم صادر کنند. (مندرج در فصل اول از باب اول قانون آیین دادرسی مدنی و فصل اول از بخش سوم قانون آیین دادرسی کیفری) اما همان‌طور که گفته شد، در حقوق عمومی مقصود از صلاحیت؛ اختیارات یک نهاد یا مقام عمومی است که از خلال فرآیند قانون‌گذاری

ایجاد می‌شود و به موجب آن تصمیمات و اقدامات اتخاذ می‌گردد. صلاحیت در حقوق عمومی به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود؛ صلاحیت تکلیفی و صلاحیت تخییری که در ادامه به توضیح هر یک می‌پردازیم:

#### ۱-۴. صلاحیت تکلیفی

در مورد صلاحیت تکلیفی باید گفت که اداره در صورت اجتماع شرایط موظف به اتخاذ تصمیمی است که متن قانون مقرر کرده و مقام عمومی حق انتخاب میان گزینه‌های مختلف را ندارد.

البته برخی صلاحیت‌های تکلیفی را به دو بخش صلاحیت‌های تکلیفی محض و صلاحیت‌های تکلیفی نسبی تقسیم کرده‌اند. در صلاحیت تکلیفی محض تمام شرایط و ضوابط اتخاذ تصمیم در متن قانون ذکر شده است و مقام عمومی عیناً مطابق قانون عمل می‌کند، اما در صلاحیت تکلیفی نسبی برخی از شرایط پیش‌بینی شده و به صورت حداقلی به مقامات اختیار داده شده است. (مشهدی و هداوند، ۱۳۸۹: ۱۱۲)

نظارت بر صلاحیت‌های تکلیفی مقامات از این جهت که به روشنی در متن قانون ذکر شده است دشوار نیست، به عنوان مثال در زمینه نظارت بر مقررات دولتی، دیوان عدالت اداری عیناً مصوبه را با تکلیف قانونی انطباق می‌دهد و اگر خارج از حدود مقرر در قانون اتخاذ شده باشد رأی به ابطال آن خواهد داد.

#### ۲-۴. صلاحیت تخییری

صلاحیت اختیاری یا تخییری مفهومی در مقابل صلاحیت تکلیفی دارد که بعضاً با عنوان صلاحیت گزینشی نیز مطرح می‌شود. در این نوع از صلاحیت، قانون صرفاً انجام امری را از مقام عمومی خواسته و شرایط و ضوابط آن یا بخشی از ضوابط آن را بر عهده خود او گذاشته است. بنابراین مقامات حق انتخاب دارند و می‌توانند بین چند گزینه تصمیم مقتضی و مناسب را اتخاذ کنند. این صلاحیت به منظور ایجاد قدرت تصمیم‌گیری در موارد مختلف به مقامات عمومی اعطا شده است تا بتوانند در مرحله اجرا و عمل، بهترین راهکار را شناسایی و مطابق آن عمل کنند. (کارگزاری، نبی‌لو، ۱۳۸۷: ۹)

موضوع مهم راجع به صلاحیت‌های تخییری آن است که این نوع از صلاحیت ممکن است موجب سوءاستفاده از قدرت شود و موجبات تضییع حقوق مردم را فراهم کند. برای ممانعت از این موضوع، اساتید حقوقی مباحثی راجع به شیوهی

نظارت بر صلاحیت‌های اختیاری و اعمال آنها مطرح کرده‌اند. به عنوان مثال گفته شده «صلاحیت اختیاری یا گزینشی، اختیار مقام اداری برای اتخاذ تصمیم در راستای انجام وظایف در حالت مطلوب است. بر این اساس، منظور از "اختیار" یا "حق" مقام اداری به اقدام در شرایط و اوضاع و احوال خاص و شخصی، آزادی کامل و بی قید مقام اداری در اخذ تصمیم نیست، بلکه رعایت اصولی چون تناسب، انصاف، و معقولیت و سایر اصول حقوقی در اتخاذ تصمیم ضروری است و سوءاستفاده از صلاحیت اختیاری مسئولیت به دنبال خواهد داشت.» (مشهدی و هداوند، ۱۳۸۹: ۲۸)

اصل تناسب از مهم‌ترین مواردی است که راجع به صلاحیت‌های تخییری مطرح می‌شود؛ «اصل تناسب مستلزم آن است که عمل یا اقدام اتخاذی با اهداف موردنظر سازگار باشد و مقامات عمومی و اداری بایستی یک تعادل منطقی میان اهداف حقوق عمومی و منافع خصوصی برقرار سازند. (مرادی برلیان، ۱۳۹۲: ۴۰)

با توجه به مقتضیات اعمال صلاحیت‌های اختیاری می‌توان گفت نظارت بر این صلاحیت‌ها کار دشوارتری است. به عنوان مثال قاضی دیوان عدالت اداری در مقام نظارت بر یک اقدام دولتی که ناشی از صلاحیت‌های اختیاری اداری است فنون زیادی را می‌بایست به کار گیرد. برای مثال در صلاحیت‌های تکلیفی ممکن است با استناد به حقوق مکتسبه<sup>(۱)</sup>، اقدامی تأیید یا رد شود؛ اما در صلاحیت‌های اختیاری چنین وضعی وجود ندارد و شهروند الزاماً نمی‌تواند بگوید باید تصمیم الف به جای تصمیم ب اتخاذ می‌شد. (گزارش نشست علمی، ویژه، ۱۳۹۲: ۶) همچنین بر اساس اصل تناسب می‌بایست قضات "وجود ارتباط منطقی" میان تصمیم اتخاذشده از سوی مقامات با اهدافی که دنبال می‌شده است را بررسی نمایند. (برلیان، ۱۳۹۲: ۷) لکن برای این کار قاضی دادگاه اداری باید توانایی و تخصص لازم را داشته باشد و بتواند روش‌های جایگزین را تشخیص دهد و تعیین کند که آیا مقام اداری از میان چند تصمیم بهترین تصمیم را اتخاذ کرده یا می‌توانست موارد دیگری را برگزیند؟ و آیا مقام عمومی هدف اصلی قانون‌گذار را تأمین کرده است یا خیر؟

در نظام نظارت قضایی ایران، دیوان عدالت اداری اصل تناسب را به‌تنهایی

۱. حق مکتسبه حقی است که به موجب قانون به افراد داده می‌شود و قابل نقض نمی‌باشد؛ مانند حق بر آموزش که طی بند سوم از اصل ۳ قانون اساسی برای همه ملت به رسمیت شناخته شده است.

مستندی برای ابطال مقررات دولتی نمی‌داند، اما ذیل برخی از آراء خود ضمن استناد به مواد قانونی به رعایت "هدف قانون‌گذار" اشاره کرده است. به عنوان مثال در دادنامه شماره ۴۰۳/۸۵ چنین مقرر شده است: «بنا به جهات فوق‌الذکر بندهای ۱۲ و ۱۳ و بند (ب) شماره ... وزیر جهاد سازندگی به لحاظ اینکه در جهت تبیین و اجرای هدف و حکم مقنن تنظیم و انشاء شده است، مغایرتی با قانون ندارد و خارج از حدود اختیارات قانونی مربوط نمی‌باشد.»<sup>(۱)</sup>

## ۶- مبانی اسلامی و حقوقی اصل صلاحیت

### ۶-۱. مبانی اسلامی

شاید بتوان ولایت را نزدیک‌ترین مفهوم به صلاحیت در ادبیات دینی قلمداد نمود. مقام ولایت منحصر در مقام حضرت حق است و آیات فراوانی از قرآن کریم مبین این مطلب است.<sup>(۲)</sup> لذا در حوزه فقه اسلامی و مشخصاً فقه امامیه، در زمینه اختیارات زمامداران حکومت نیز تنها اشخاصی که از جانب خداوند مأذون هستند دارای صلاحیت بوده و در جایگاه اعمال قدرت عمومی هستند. آیات فراوانی از قرآن کریم مبین ولایت رسول اکرم ﷺ است.<sup>(۳)</sup> همچنین آیاتی در مقام بیان ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام هستند<sup>(۴)</sup> که رهبری مادی و معنوی جامعه اسلامی، در تمام شئون زندگی از طرف خداوند و پیامبر ﷺ به آنها سپرده شده است و غیر آنها را شامل نمی‌شود. البته کسانی که از طرف آنها به مقامی منصوب شوند و پستی را در جامعه

۱. قابل دسترسی در آدرس:

<http://b2n.ir/46734>

۲. «فالله هو الولی» (شوری/۹)، «ما لهم من دونه من ولی ولا یشرک فی حکمه احد» (کهف/۲۶)
  ۳. «النبی اولی بالمومنین من انفسهم» (احزاب/۶)، «انما ولیکم الله و رسوله» (مائده/۵۵)، «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول» (نساء/۵۹)
  ۴. «انما ولیکم الله و رسوله و الذین ءامنوا الذین یمونون الصلاه و یؤتون الزکوة و هم راکعون» (مائده/۵۵)
- مفسرین قرآن معتقدند مصداق آیه مذکور امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام است که بعد از پیامبر دارای ولایت می‌باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴ و ۲۴) و همچنین یازده معصوم بعد از علی علیه‌السلام نیز این ولایت را دارا هستند. همچنین آیه دیگر می‌فرماید: «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» (نساء/۵۹) همه مفسران شیعه در این زمینه اتفاق نظر دارند که منظور از "اولی الامر" امامان معصومین علیهم‌السلام می‌باشند.

اسلامی به عهده بگیرند که از جمله آنها ولی فقیه است، با شروط معینی اطاعت آنها لازم است نه به خاطر اینکه اولی الامرند، بلکه به خاطر اینکه نمایندگان اولی الامر می‌باشند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۴۳۶)

در زمان حضور امام معصوم (علیه السلام) قدرت عمومی توسط ایشان اعمال می‌شود؛ مانند حکومت چهار سال و چند ماه حضرت علی (علیه السلام) که تقسیم وظایف زمامداران و والیان مناطق مختلف بر عهده ایشان بود و در واقع مقامات، صلاحیت خود را از امام معصوم (علیه السلام) اخذ می‌کردند. در زمان غیبت نیز شخص ولی فقیه از جانب معصوم (علیه السلام) مأذون از سوی خداوند بوده و دارای صلاحیت است. مقام مذکور بنا بر ادله نقلی و عقلی نایب امام معصوم (علیه السلام) به شمار می‌رود، بنابراین عمل به دستورات او الزامی است<sup>(۱)</sup>.

جایگاه ولایت فقیه و امامت امت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول دوم، پنجم و پنجاه و هفتم به رسمیت شناخته شده است و اساساً بالاترین مقام

۱. به عنوان نمونه به برخی از ادله روایی ولایت فقیه اشاره می‌کنیم: عمر بن حنظله می‌گوید از امام صادق (علیه السلام) راجع به دعوی دو نفر از شیعیان پرسیدم که نزد قاضی رفته و رفع اختلاف کردند، امام صادق (علیه السلام) در پاسخ فرمودند: «مردم باید به کسانی از شما (شیعیان) که حدیث و سخنان ما را روایت می‌کنند و در حلال و حرام ما به دقت می‌نگرند و احکام ما را به خوبی بازمی‌شناسند (عالم عادل)، مراجعه کنند و او را به عنوان حاکم بپذیرند. من چنین کسی را بر شما حاکم قرار دادم. پس هرگاه به حکم ما حکم کند و از او پذیرفته نشود، حکم خدا کوچک شمرده شده و بر ما رد شده است و آن که ما را رد کند، خدا را رد کرده است و چنین چیزی در حد شرک به خداوند است» (کلینی، ۱۴۰۱ق: ۶۷) امام خمینی (ره) راجع به دلالت حدیث شریف می‌فرماید دستور امام صادق (علیه السلام) یک حکم سیاسی است حکمی که سبب می‌شود از مراجعه به قدرت‌های ناروا و قضات دست‌نشانده آنها خودداری شود. همچنین حضرت فرمودند من کسی که دارای چنین شرایطی باشد (آگاه به حلال و حرام دین) را حاکم و فرمانروای شما قرار دادم و او منصوب در امور حکومتی و قضائی است و این روایت از واضحات است و جای تردید نیست که امام (علیه السلام) فقها را برای حکومت و قضاوت تعیین فرمودند. (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ۹۱ و ۹۲) اسلام اطاعت فقیه را واجب دانسته است و من امر می‌کنم به شما که اطاعت کنید از مافوق‌های خود و حفظ نظام را بکنید. (موسوی خمینی، ۱۳۸۱، ج ۱۰: ۴۴) قابل ذکر است روایات صریحی ما مضمون مذکور از معصومین (علیهم السلام) رسیده از جمله اینکه فرمودند: «الْعُلَمَاءُ حُكَّامٌ عَلَى النَّاسِ» (نوری، ۱۴۰۹ق: ح ۲۳) علما حاکمان بر مردم هستند.

همچنین توقیع مبارک حضرت ولی عصر (علیه السلام) که می‌فرماید: «در حوادث سیاسی - اجتماعی به راویان احادیث ما مراجعه کنید چراکه آنها حجت من بر شما و من حجت خداوند هستم.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۲۷: ۱۴۰)

اجرائی، قضائی و تقنینی کشور شخص ولی فقیه (رهبری) می باشد و صلاحیت های قوا که طبق اصول قانون اساسی برای آنها معتبر شناخته شده است به واسطه تنفیذ قانون اساسی توسط ولی فقیه است. مشروعیت قانون اساسی نیز به دلیل امضای مقام رهبری است و این امضا نیز صوری نبوده و دارای ماهیت و آثار حقوقی است. این تحلیل برآمده از پذیرش اصل ولایت مطلقه فقیه در اصول قانون اساسی می باشد. (مصباح یزدی، مشروعیت قانون اساسی...، ۱۳۹۲/۲/۲۱) بنابراین توضیحات، مبنای اسلامی اصل صلاحیت همان ولایت الهی است که به معصومین علیهم السلام اعطا شده و معصومین نیز می توانند به سایرین اعطای ولایت کنند.

## ۲-۶. مبانی حقوقی

مبانی حقوقی اصل صلاحیت عبارت اند از اصل تفکیک قوا، حاکمیت قانون و نمایندگی که به ترتیب به توضیح هر یک می پردازیم:

### ۲-۶-۱. تفکیک قوا

اصل تفکیک قوا در حوزه صلاحیت های قوای حکومتی و تفکیک قدرت مطرح است، لکن در مقیاس کوچک تر می توان اصل صلاحیت را از آن برداشت کرد؛ به این ترتیب که در تفکیک قوا هر یک از قوای حکومتی باید صرفاً وظایفی را که بر عهده آنهاست انجام دهند، قوه مجریه امور اجرایی کشور را بر عهده بگیرد، قوه قضائیه به امور قضائی و قوه مقننه به امر تقنین بپردازند و هیچ یک مجاز به تخطی از وظایف خود و یا دخالت در وظایف سایر قوا نیستند. به عبارت دیگر وظایفی که هر یک از قوا عهده دار هستند همان صلاحیتی است که مطابق قانون به آنها داده شده است و ضروری است که از صلاحیت اعطایی به آنها تجاوز نکنند. هر چند هم اکنون اصل تفکیک قوا دچار تغییرات اساسی شده و قوای حکومتی با همکاری یکدیگر دارای صلاحیت های مشترکی هستند. (شیرزاد، ۱۳۹۲: ۹۴)

### ۲-۶-۲. حاکمیت قانون

اصل قانونی بودن، مبنای تشکیل، اقدام و فعالیت اداره است و ضروری است کلیه فعالیت ها و اقدامات در اداره بر مبنای قانون صورت گیرد. (هداوند و مشهدی، ۱۳۸۹: ۸۵) همچنین از آنجاکه ممکن است اداره از موقعیت برتر خود به اتکای قدرت عمومی

سوءاستفاده نماید اهمیت حرکت در مسیر قانون دوچندان می‌شود. (ویژه، ۱۳۸۸: ۸۶)

بنابراین هیچ صلاحیتی برای مقامات و نهادها وجود ندارد مگر آنکه قانون گفته باشد، و اساساً برای تحقق حاکمیت قانون است که صلاحیت در حقوق عمومی امری اعطایی است. (گرچی، فتحی، ۱۳۹۱: ۲۱۲)

### ۶-۲-۳. نمایندگی

نمایندگی مبنای دیگر اصل صلاحیت است؛ به این معنا که در قلمرو حقوق عمومی، مقامات و نهادهای حاکم به نمایندگی مردم از قدرت عمومی بهره می‌گیرند و اعمال و اقدامات حکومتی بنابر خواست مردم در قالب اصول قانون اساسی و قوانین مصوب مجلس قانون‌گذاری محقق می‌شود که تجلی اراده مردم به شمار می‌آیند. (شیرزاد، ۱۳۹۲: ۹۳) لازم به ذکر است که تعبیر مذکور راجع به حکومت اسلامی تعبیر دقیقی نیست و در حکومت اسلامی همه صلاحیت‌ها از اراده و تفویض مستقیم یا غیرمستقیم خداوند متعال نشأت می‌گیرد و مردم نیز جز در صورت تفویض اختیار از سوی خداوند، نمی‌توانند منشأ اعطای هیچ‌گونه مشروعیتی قلمداد گردند.

### ۴- صلاحیت در نظام حقوق داخلی

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، ضمن تبیین جایگاه ولایت مطلقه فقیه در اصول پنجم<sup>(۱)</sup> و پنجاه و هفتم<sup>(۲)</sup> قانون اساسی به‌عنوان مبنای شرعی صلاحیت‌های عمومی در نظام حقوقی، رعایت اصل صلاحیت رایج نیز به طرق مختلفی تضمین شده و قوای سه‌گانه ملزم به رعایت اصل صلاحیت شده‌اند. در حوزه قانون‌گذاری چنانچه مجلس شورای اسلامی از صلاحیت‌های خود تجاوز کرده و در ضمن تصویب یک قانون به امر اجرایی ورود کند و یا در صلاحیت‌های قضایی دخالت کند با ایراد شورای نگهبان مبنی بر تجاوز از صلاحیت مواجه خواهد شد. شورای نگهبان در آراء بسیاری

۱. در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج) در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و باتقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.

۲. قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

طرح‌ها و لوایح ارسالی از مجلس شورای اسلامی را به همین دلیل مغایر قانون اساسی و شرع دانسته است. به‌عنوان مثال شورای نگهبان عزل و نصب مقامات اجرایی (غیر از وزرا) را صرفاً بر عهده قوه مجریه می‌داند که مجلس حق ورود به آن را ندارد.<sup>(۱)</sup> همچنین تخصیص و مصرف بودجه امری اجرایی و غیر از تصویب بودجه است و قوه مقننه صلاحیت چنین کاری را ندارد.<sup>(۲)</sup> به‌علاوه شورای نگهبان مواردی از مصوبات مجلس را به دلیل ورود به صلاحیت‌های رهبری خلاف شرع اعلام کرده است؛ به‌عنوان مثال در خصوص لایحه اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مصوب ۱۳۸۱/۸/۱۲ مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان تعیین وظیفه برای رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها بدون اذن معظم له را، خلاف موازین شرع و اصل ۵۷ قانون اساسی اعلام کرده است. (موسی زاده، ۱۳۸۹: ۲۳۸)

اما در مورد نظارت بر قوه مجریه مبنی بر عدم تجاوز از صلاحیت‌های خود چند نهاد نظارتی وجود دارد، ازجمله سازمان بازرسی کل کشور که مأمور نظارت بر حسن اجرای قوانین است<sup>(۳)</sup>، نظارت سیاسی مجلس شورای اسلامی بر قوه مجریه که با استیضاح و طرح سؤال از هیئت دولت محقق می‌شود و نهایتاً نظارت دیوان عدالت اداری که مقررات تصویب‌شده در قوه مجریه را بررسی کرده و چنانچه از صلاحیت‌های خود عدول کرده باشند آن مقرر را ابطال می‌کند.<sup>(۴)</sup>

دیوان عدالت اداری در آراء مختلفی به استناد داشتن یا نداشتن صلاحیت، رأی به ابطال مقرر یا صحت آن داده است، به‌عنوان مثال در دادنامه شماره ۳۵۲/۸۰ این‌گونه استدلال شده که «... مصوبه هشتادمین جلسه مورخ ۱۳۷۷/۷/۲۸ شورای عالی اداری که متضمن ورود در قلمرو حدود صلاحیت و اختیارات سایر مراجع و مقامات نیست،

۱. مربوط به نظر شورای نگهبان به شماره م/۲۳۲۸ مورخ ۱۳۶۰/۳/۵ راجع به تأیید صلاحیت رئیس بانک مرکزی توسط مجلس شورای اسلامی.

۲. مربوط به نظر شورای نگهبان به شماره ۸۱۰۳ مورخ ۱۳۶۱/۱۲/۲۶ راجع به نظارت مجلس بر مصرف اعتبارات مصوب.

۳. اصل ۱۷۴ - بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری سازمانی به نام "سازمان بازرسی کل کشور" زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند.

۴. ماده ۸۰ قانون دیوان عدالت اداری

مغایرتی با قوانین و اصل تفکیک قوا ندارد.<sup>(۱)</sup> همچنین در دادنامه شماره ۱۹۳/۸۱ هیئت عمومی صلاحیت قوه قضائیه را تشریح و چنین اعلام رأی شده است «قانون‌گذار به موجب اصل ۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تثبیت اصل تفکیک و استقلال قوای حاکم به شرح اصولی دیگر وظایف و اختیارات اختصاصی هر یک از آنها را معین کرده و مطابق اصل ۶۱<sup>(۲)</sup> و اصول مندرج در فصل یازدهم آن قانون اعمال قوه قضائیه در طریق حمایت از حقوق فردی و اجتماعی و تنظیم و تنسيق کلیه مسائل مربوط به امر خطیر قضا را به ترتیب مقرر در قوانین عادی به قوه قضائیه محول نموده است ... و به لحاظ ورود در قلمرو اقتدارات اختصاصی دو قوه مقننه و قضائیه مغایر اصل تفکیک قوای عالی، خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود و به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.»<sup>(۳)</sup>

اما نوع دیگر نظارت بر اعمال صلاحیت مقامات در نظام حقوقی ایران به کنترل سلسله مراتبی مربوط می‌شود که توسط مقامات بالاتر اعمال می‌شود و از طریق اصلاح تصمیم، ابطال یا لغو آن صورت می‌گیرد. (طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۸۷: ۸۶) به عنوان مثال هر یک از وزرا می‌توانند چنین نظارتی را بر تصمیمات معاونین یا مدیران کل خود داشته باشند. رسیدگی به تخلفات اداری نیز شیوه‌ای دیگر است که طی آن رعایت صلاحیت تضمین می‌شود. مراجع اداری رسیدگی به تخلفات اداری «هیئت رسیدگی به تخلفات اداری» و برخی «مقامات اداری» هستند.<sup>(۴)</sup>

«سوءاستفاده از مقام و موقعیت اداری» که می‌تواند ناشی از تجاوز از صلاحیت باشد در قانون رسیدگی به تخلفات اداری در بند ۳۰ ماده ۸ به عنوان یک تخلف محسوب شده و هیئت‌های رسیدگی می‌توانند آن را پیگیری کنند. علاوه بر این،

۱. قابل دسترسی در آدرس:

<http://b2n.ir/99573>

۲. اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد.

۳. قابل دسترسی در آدرس:

<http://b2n.ir/58776>

۴. ماده ۱ و ماده ۱۲ قانون رسیدگی به تخلفات اداری

نظارت بر اعمال صلاحیت و انجام وظایف قانونی را می‌توان با استناد به بند ۳ (تأخیر در انجام وظیفه) و بند ۲۵ (هر نوع استفاده غیرمجاز از شئون یا موقعیت شغلی و امکانات و اموال دولتی) که در ماده ۸ قانون مزبور آمده است مورد پیگیری قرار داد. همچنین سوءاستفاده از موقعیت اداری، دارای مسئولیت کیفری نیز می‌باشد؛ به‌عنوان مثال در ماده ۷۹ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ (ماده ۵۷۶ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی) این موضوع جرم انگاری شده است و انفصال از خدمت را در پی خواهد داشت.<sup>(۱)</sup> قابل ذکر است این موضوع در قانون مجازات جدید مغفول مانده و حکم قانون قبل در این موضوع همچنان جاری است.

## ۸ - جمع‌بندی

اصل صلاحیت گویای اختیارات و وظایف محوله به مقامات عمومی است و در نظام مبتنی بر حاکمیت قانون، مقامات عمومی ملزم به رعایت آن می‌باشند. قدرت عمومی در اختیار مقامات عمومی است و ممکن است از آن به هر نحوی استفاده کنند و یا در اختیارات سایرین دخالت کنند، بنابراین هیچ مقامی حق ندارد از اختیاراتی که قانون برای او معین کرده است تجاوز کند. صلاحیت ممکن است تکلیفی و یا اختیاری باشد، در صلاحیت تکلیفی مقام مسئول باید دقیقاً شرایط مندرج در متن قانون را رعایت کند و تصمیم بگیرد، اما در صلاحیت تخییری به آنها حق انتخاب داده شده تا از میان چند گزینه با رعایت شرایط و مقتضیات اداره و نفع عموم بهترین تصمیم را بگیرند. در اعمال صلاحیت‌های تخییری احتمال سوءاستفاده و فساد بیشتری وجود دارد، بنابراین بحث نظارت بر آن از مباحث مهم در این زمینه است؛ چراکه قانون اجازه انتخاب را به مقامات داده است. با این وجود همان‌طور که گفته شد در صلاحیت تخییری این‌گونه نیست که مقام اداری مجاز به اتخاذ هر تصمیمی باشد، بلکه باید گزینه‌های مختلف را بررسی کند و موردی را که به نفع عموم مردم و اداره است اتخاذ کند. به عبارت دیگر در اعمال صلاحیت‌های تخییری رعایت اصل تناسب

۱. ماده ۷۹ - چنانچه هریک از صاحب‌منصبان و مستخدمین و مأمورین دولتی و شهرداری‌ها در هر رتبه و مقامی که باشد از مقام خود سوءاستفاده نموده و از اجرای اوامر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی و یا اجرای احکام یا اوامر مقامات قضایی یا هرگونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده باشد جلوگیری نماید به انفصال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.

ضروری است و تصمیم اخذشده باید باهدف قانونگذار متناسب باشد. در نظام حقوقی ما نهادهایی ازجمله شورای نگهبان، دیوان عدالت اداری، مجلس شورای اسلامی، سازمان بازرسی کل کشور و هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری به اشکال مختلف و مستقیم و غیرمستقیم به رعایت اصل صلاحیت نظارت می‌کنند.

## ۹- منابع پیشنهادی جهت مطالعه بیشتر

- مشهدی، علی، صلاحیت تخییری؛ نظام حقوقی صلاحیت‌های تخییری در قوه مجریه، تهران، معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۹۱.
- موسوی زاده، سید شهاب‌الدین، نظارت قضائی بر اعمال صلاحیت‌های اختیاری، گزارش نشست علمی، تهران، نشر مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۲.
- هداوند، مهدی و مشهدی، علی، اصول حقوق اداری در پرتو آراء دیوان عدالت اداری، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۹.
- ویژه، محمدرضا، اصل قانون مداری در اعمال اداری، مجله آموزه‌های حقوقی، شماره ۱۲، ۱۳۸۸.
- هداوند، مهدی، مهار قدرت و تحول آن در حقوق اداری، مجله حقوق اساسی، شماره ۸، ۱۳۸۶.
- رستمی، ولی؛ حسینی پور اردکانی، سید مجتبی؛ نظارت قضایی بر مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، مجله دانش حقوق عمومی، شماره ۳، ۱۳۹۲.
- قطبی، میلاد، جایگاه و صلاحیت‌های دیوان عدالت اداری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با نگاهی به نظرات شورای نگهبان، تهران، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۳.
- دارینی، علی، اختیارات فوق‌العاده عالی‌ترین مقامات اجرایی، مجله راهبرد، شماره ۲۰، ۱۳۸۰.
- آگاه، وحید، حقوق بنیادین و اصول حقوق عمومی؛ در رویه‌ی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۹.
- معاونت آموزش و پژوهش دیوان عدالت اداری، صلاحیت دیوان عدالت اداری در آرای دیوان عالی کشور، تهران، نشر جنگل، ۱۳۹۲.

## ۱۰- منابع و مآخذ

## الف - کتب

۱. امامی، سید حسن، حقوق مدنی (امامی)، جلد ۴، انتشارات اسلامی، تهران - ایران، بی تا
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۵.
۳. حرعاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، ج ۲۷، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.
۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، جلد ۱ و ۲، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۵. رحمت الهی، حسین، تحول قدرت، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۸.
۶. شیرزاد، امید، دلایل ابطال مصوبات دولتی در دیوان عدالت اداری، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۲.
۷. صدرالحافظی، سید نصرالله، نظارت قضایی بر اعمال دولت در دیوان عدالت اداری، تهران، نشر شهریار، ۱۳۷۲.
۸. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری، تهران، چاپ پانزدهم، انتشارات سمت، ۱۳۸۷.
۹. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۶، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۱۰. علی آبادی، علی، آیین دادرسی تخلفات اداری، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۳.
۱۱. فلاح زاده، علی محمد و همکاران، تفکیک تقنین و اجرا (تحلیل مرزهای صلاحیت تقنینی در روابط قوای مقننه و مجریه)، تهران، مرکز تحقیقات شورای نگهبان، ۱۳۹۱.
۱۲. قطبی، میلاد، برنامه جهانی مبارزه با فساد حکومتی با مطالعه تطبیقی سیره حکومت علوی، پایان نامه دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۲.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، جلد اول، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۱ق.

۱۴. مددپور، محمد، درآمدی بر تفکر سیاسی معاصر، تهران، انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۴.
  ۱۵. مرادی برلیان، مهدی، اصل تناسب در نظام حقوقی اتحادیه اروپایی با نگاهی به آرای دیوان عدالت اداری ایران، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۲.
  ۱۶. مشهدی، علی، صلاحیت تخییری؛ نظام حقوقی صلاحیت‌های تخییری در قوه مجریه، تهران، معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۹۱.
  ۱۷. معاونت حقوقی ریاست جمهوری، مرزهای تقنین و اجرا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات، ۱۳۸۹.
  ۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
  ۱۹. موسوی خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، جلد ۱۹ و ۱۰، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۱.
  ۲۰. موسوی خمینی، روح‌الله، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۵.
  ۲۱. موسی زاده، ابراهیم، و همکاران، دادرسی اساسی در جمهوری اسلامی ایران، اداره چاپ و نشر معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات، تهران، ۱۳۸۹.
  ۲۲. نوری، میرزا حسین، مستدرک وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ ق.
  ۲۳. هداوند، مهدی و مشهدی، علی، اصول حقوق اداری در پرتو آراء دیوان عدالت اداری، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۹.
  24. Aristotle, politics, translated by Benjamin Jowett, batoche books, kitcheners. 1999
- ب - مقالات**
۲۵. استوار سنگری، کوروش، صلاحیت دیوان عدالت اداری و مسائل پیرامون آن، مجموعه مقالات اندیشه‌های حقوق اداری، انتشارات مجد، ۱۳۹۲.

۲۶. عزیزی، سید مجتبی و قطبی، میلاد، بررسی مقایسه‌ای اندیشه تفکیک قوا با هنجارهای حکومتی امیر المومنین علیه السلام، نشریه مطالعات دولت اسلامی، شماره ۲، ۱۳۹۱.
۲۷. قطبی، میلاد، استقلال قوا و نهادهای فراقوه‌ای در نظام جمهوری اسلامی ایران، گزارش پژوهشی مرکز تحقیقات شورای نگهبان، شماره مسلسل ۱۳۹۳۰۰۳۴، ۱۳۹۳.
۲۸. کارگزاری، جواد؛ نبی‌لو، حسین، اجرای صلاحیت‌های اختیاری توسط مقام اداری، فصلنامه اطلاع‌رسانی، شماره ۳، ۱۳۸۷.
۲۹. گرجی، علی‌اکبر؛ فتحی، یونس؛ مطالعه تطبیقی نظارت بر اعمال صلاحیت‌های گزینشی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۸، ۱۳۹۱.
۳۰. محمدرضا، ویژه، اصل تفکیک قوا در آرای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۷، ۱۳۸۸.
۳۱. مصباح یزدی، محمدتقی، «مشروعیت قانون اساسی به ولایت فقیه است» (سخنرانی)، ۱۳۹۲/۲/۲۱، قابل دسترسی در آدرس: (<http://b2n.ir/entekhab>)
۳۲. موسوی‌زاده، سید شهاب‌الدین، نظارت قضایی بر اعمال صلاحیت‌های اختیاری، گزارش نشست علمی، تهران، نشر مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۲.
۳۳. ویژه، محمدرضا، اصل قانون مداری در اعمال اداری، مجله آموزه‌های حقوقی، شماره ۱۲، ۱۳۸۸.

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و  
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود  
را ایفا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و  
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمری،  
کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲  
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵  
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵  
info@shora-rc.ir  
www.shora-rc.ir